



روح القدس و عصمت ائمه عليهم السلام

روح القدس بزرگترین، محبوب ترین و نزدیکترین ملائکه نزد خداست. حتی چهار ملک بزرگ خدا، یعنی جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل نیز نزد او کوچک و خاضعند و بی اذن او چشم بر هم نمی‌زنند. و همین مقام اوست که هنگام معراج، جبرئیل به پیامبر (ص) عرض کرد پیش رو ای محمد که گام زدی در جایی که احدی گام نزده است و عرض کرد که اگر من يك بند انگشت از اینجا بالاتر آیم خواهم سوخت. چرا که هیچ ملکی محرم آن عرصه نبوده و احدی از ملائکه طاقت دیدار نور و عظمت او را ندارند.

و اوست کسی که حضرت عسکری ع فرمودند **روح القدس فی جنان الصاقورة ذاق من حدائقنا الباکورة** یعنی روح القدس در بهشت بالا از باغ های ما نوباوہ خورده است، که مرحوم کرمانی اع میفرمایند: “عجب کلامی است اگر معنی آنرا بفهمی و بدانی که آن نوباوہ از چه درخت بود و آن باغها کجا بود و بهشت بالا کجاست”.

اما بطور خلاصه باغهای آل محمد عليهم السلام باغهای اسماء و صفات خداوند است که از آن باغها بهشت بالاتری نیست و روح القدس از نوباوہ های آن خورده، و آن نوباوہ (اول میوه ای که در آمده) وجود مقید است که از درخت مشیت خداوند رسته. و آن درختی است که خداوند میفرماید **و مثل کلمة**

طیبة كشجرة طیبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء، و آن درخت مشیت اصلش در عالم سرمد ثابت است و میوه های آن در عالم جبروت آویخته شده و آن میوه نوباوه که اول وجودی است که از مشیت الهی پیدا شد عقل است چنانکه پیامبر (ص) میفرماید **أول ما خلق الله العقل**. و آن حظی است که روح القدس در عالم جبروت از درخت مشیت برده، و معلوم است که آن بزرگواران پیشتر بوده‌اند و صاحب باغهای صفتها و اسمهای الهی بوده‌اند و بعد روح القدس از باغهای ایشان نوباوه خورده است.

همچنین روح القدس هر چه که باشد از ملائکه است، نهایت عظیم تر است از بقیه و حال اینکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند **ان الملائكة لخدامنا** پس روح القدس با تمام عظمتش خادمی است نزد معصومین صلوات الله علیهم که به امر خداوند نزد ایشان نازل میشود همانطور که میخوانیم **تنزل الملائكة و الروح فیها باذن ربهم** یعنی ملائکه و روح در شب قدر نازل میشوند باذن پرورنده خود.

پس روح القدس ملکی است که خداوند او را مطیع آل محمد علیهم السلام نموده و از وقتی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در این دنیا تولد فرمودند روح القدس نازل شده و هنوز بالا نرفته است تا هنگامی که پیامبر (ص) قبل از دمیدن صور از زمین بالا روند که با ایشان بالا خواهد رفت، و الآن بهمراه قائم آل محمد است علیهم السلام و اخبار هر حادثه و واقعه ای که در عالم رخ میدهد را خدمت ایشان عرضه میکند و ایشان جمیع آنچه فرمایش میکنند یا عمل میفرمایند باشاره او است. و همه قبول دارند که روح القدس بهمراهی ایشان است و خدا ایشان را مؤید بروح القدس کرده و احادیث بسیاری در این باب وارد شده، که از جمله در دعای افتتاح میخوانیم **اللهم و صل علی ولی أمرک القائم المؤمل و العدل المنتظر و حفه بملائکتک المقربین و أیده بروح القدس یا رب العالمین**. پس امام علیه السلام جز به اشاره روح القدس لب نمی گشایند و کاری نمی کنند، از اینجهت هرگز سهو و نسیان و خطا و لغزش از ایشان سرنمیزند چرا که گفته های روح القدس هرگز خطا ندارد و سهو و نسیان در او راهبر نیست.

اما اینکه عصمت ایشان را از هر خطایی به تأیید روح القدس بدانیم، از جهت سخن گفتن به زبان مخالفین است. چرا که روح القدس خود ریزه خوار ائمه علیهم السلام بوده و اگر لحظه ای توجهشان را از او بردارند فانی خواهد شد، و از حکمت عالم است که هر کس در ملک خدا مقدم باشد، اول فیض و نور و مدد باو میرسد و از او به هر کس که فروتر است خواهد رسید و آنکس که فروتر است هستی او تابع هستی ما فوق خود بوده بلکه جلوه و پیدائی اوست، مانند نور چراغ که آن نوری که نزدیکتر بچراغ است اول او ایجاد میشود و فیضهای چراغ و مددها اول به او میرسد و بعد به ما بعد خود.

حال همچنین است امر در اینجا که حضرت خاتم النبیین و ائمه طاهرین علیهم السلام نزدیکترند بخداوند عالم و فیضها اول بایشان میرسد و از ایشان به روح القدس. پس چگونه برای روح القدس که مادون و خادم ایشان بوده عصمت قائل باشیم و او را از هر خطایی مبرا دانیم اما در عصمت آقایان او خللی وارد بدانیم. و آقا و نوکر بودن در پیشگاه خداوند بزور و تسلط نیست بلکه کسی آقاست که اقرب به خداوند بوده و عظیمتر و کریمتر و قویتر و قهارتر و غالبتر و علامتر و در جمیع صفات کمالیه کاملتر باشد.

البته تمام آنچه که گفته شد ظاهری از حقیقت روح القدس است، و برای دانستن باطن آن به کتاب مبارک ارشاد العوام رجوع شود. در این مطلب غرضمان همین بود که ممکن نیست ائمه علیهم السلام

دارای سهو و نسیان و خطا و حتی ترک اولی باشند، و اگر حدیثی وارد شده که سهوی را برای ائمه علیهم السلام نقل میکند از جهت تقیه و از ترس سنی ها گفته شده، چرا که اگر میگفتند ما سهو نداریم میگفتند شما ادعای خدائی دارید یا خود را از پیغمبر (ص) افضل میدانید چرا که سنیان اعتقاد به سهو ایشان دارند.

موضوع عصمت ائمه علیهم السلام ادامه دارد...